
نخستین
حامی پیامبر(ص)


بسم الله الرحمن الرحیم

نخستین حامی پیامبر

نویسنده:

مهدی آقابابائی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نخستین حامی پیامبر

مشخصات کتاب

نخستین حامی پیامبر
شمه‌ای از زندگانی و فضائل و مناقب حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا
مهدی آقابابایی

مهدی آقابابایی

مقدمه

بی‌شک مطالعه و تحقیق در سیرت برگزیدگان الهی، وسیله‌ای برای آشنایی با نظام ارزشهای معتبر و مورد قبول است زیرا که شخصیت آنان برای اهل ایمان به عنوان الگو و نمونه‌ی رفتاری پذیرفته شده است.
حضرت خدیجه کبری سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا را باید از این دست شخصیت‌های نمونه دانست چرا که آن والاـ گوهر در مکتب اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام از جایگاهی بس بلند برخوردار است و به گواهی رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم یکی از چهار زن برگزیده‌ی جهان می‌باشد.
ایشان از جمله‌ی بزرگترین حامیان نشر دیانت اسلام بود و در این راه هیچ کوششی را فرو نگذاشت. وجود شریف آن بانو به اندازه‌ای مهم و حیاتی بود که پس از درگذشت او و ابوطالب اقامت در مکه برای رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم دشوار آمد و خدا به حضرت فرمان داد که از مکه خارج شو که دیگر تو را در آنجا یاوری نیست. (۱)
جزوه‌ای که در پیش رو دارید تلاشی اندک است در باره‌ی قسمتهایی از زندگانی بانوی اسلام سرچشمه‌ی کوثر حضرت خدیجه‌ی کبری سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا که ان شاء الله مورد توجه خداوند تبارك و تعالی و اهل بیت عصمت و طهارت عَلَیْهِمُ السَّلَام واقع گردد و مورد قبول خوانندگان گرامی قرار گیرد ما را از دعای خیر خویش محروم نسازید.

تولد و القاب حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا

ام المؤمنین خدیجه کبری سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا، اولین همسر فداکار رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و نخستین بانوی مسلمان و مادر مهربان حضرت زهرا سَلَامُ اللهِ عَلَیهَاست.

عده‌ای از مُوَرِّخین بر این باورند که ۶۸ سال پیش از هجرت در شهر مکه ولادت یافته است (۲) و عده‌ای ۵۶ سال پیش از هجرت به دنیا آمده است (۳)
القاب آن بزرگوار، طاهره، مبارکه، سیده نساء قریش یعنی بانوی بانوان قریش (۴) و ملکه‌ی بَطْحَاء (۵) مرضیه، زکیه، صدیقه، کبری (۶) شامخه (۷) فاضله، کامله (۸) و عفیفه (۹) می‌باشد.
ذات اقدس اله نیز (کوثر) همیشه جاری قرآن، فاطمه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا را به او ارزانی داشت و او را به کنیه‌ی «ام الزهراء» مفتخر گردانید. یکی از عناوین پر افتخاری که مردم به حضرت خدیجه داده بودند:
«اُمُّ الصَّعَالِیک» و «اُمُّ الْیَتامی» است و این به خاطر مَحبَّت‌ها و مهرورزی‌هایی بود که حضرت نسبت به عموم مردم به ویژه یتیمان و بی‌سرپرستان داشتند.

مقام معنوی حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَيهَا

خدیجه ملکه عرب در کیاست و زیرکی و فطانت و عقل بر آنها مقدم بود زیرا آنها فقط ظاهر بین بودند و در نشئه عالم طبع فقط به امور قابل اشاره حسیه و تاثیر و عواقب آن توجه داشتند ولی خدیجه به یک روانشناس معنوی توجه داشت و از قالب این امور قابل اشاره حسیه یک معانی روشن و وسیع استنباط می‌کرد و به معنویت کامل آن علاقه‌مند بود و از دریچه چشم یک فیلسوف عالی مقام و یک روانشناس عمیق با توجه دقیق به معانی و عواقب آن می‌پرداخت و لذا خدیجه در موضوع خواستگاری پادشاهان عرب همه را رد کرد در حالی که شرایط صوری از مقام و منصب و ما ل و جاه و عزت دنیوی همه پابرجا بود ولی خدیجه همه را رها کرد و به یک مقام معنوی که فضیلت و کمال و صداقت و امانت، عاقبت به خیری آینده روشن در آن حس کرده بود تن در داد و از عقل و زیرکی خود در است راه بر همه اقران و امثال و ملکه‌های عرب مقدم و برتر گردید و لذا در اسلام با افتخار و مباهات نام برده شد.

خدیجه یک زنی بود صورتًا با وقار، متین، مآل اندیش، متفکر، صلاح اندیش و معنًا در نتیجه نهایی امور نگاه می‌کرد. در بصیرت و بینایی و زیرکی و سیاست از همه زنان برتری داشت او تاجر و بازرگانی بود که ثروتش محصول فکر اقتصاد و مطالعه در تزیید منافع بود.

ملکه بود که زنان قریش را اداره کرده بود وقتی در صدر مجلس می‌نشست هیبت و صلابت، سطوت و عظمت او همه را مرعوب می‌ساخت. (۱۰)

ذکر حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَيهَا در تورات

در تورات در باب ۲۳ مکاشفه یُوحَنَّای رسول، خدیجه را به نهر آب وصف کرده و به درخت حیات مذکور است.

ترجمه عین عبارت این است:

«نهری از آب حیات به من نشان داد که درخشنده بود مانند بلور و از تخت خدا و بره جاری می‌شود و در شارع عام آن و بر هر دو کناره نهر درخت حیات را که دوازده میوه می‌آورد یعنی هر ماه میوه خود را می‌دهد و برگهای آن درخت برای شفای امتها می‌باشد و تخت خدا و بره در آن خواهد بود و بندگان او را عبادت خواهند نمود و چهره او را خواهند دید.

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا کلمه طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ ... الخ».

نهر مذکور خدیجه کبری سَلَامُ اللهِ عَلَيهَاست که نسل او از تخت نام خداوند یعنی از حضرت زهرا سَلَامُ اللهِ عَلَيهَا و از بره که حضرت حسین عَلَيْهِ السَّلَام است جاری شد و درخت حیات نیز که هر دو کناره نهر است حضرت خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم است چه نوشته تخت در آن حضرت و بره در اوست@.

(۱۱)

تبار خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَيهَا

پدر آن والا گوهر خُوَیلَد بن اسد بن عبدالعُزّی بن قُصَیست که قُصَی نسب او با نسب حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم به هم می‌پیوندد.

و مادر ایشان فاطمه بنت زائده بن اصم بن رَواحه بن حجر بن عبد بن مَعیص بن عامر بن لُؤَیست که او نیز در لؤَی با حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم هم نژاد می‌گردد. (۱۲)

جد خدیجه، اسد بن عبدالعزّی از جمله اعضای پیمان معروف «حِلف الفُضول» بود.

(۱۳) و چنان که گفته‌اند:

این پیمان شریفترین و بهترین پیمانی است که در زمان جاهلیت بری گرفتن حق مظلوم از ظالم منعقد شده بود.

و عموزاده‌اش، ورقه بن نوفل بن اسد کتابها را مطالعه می‌کرد و سخنان اهل تورات و انجیل گوش فرا می‌داد. او چون از جریان بعثت رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم آگاه شد به حضور آن حضرت شتافت و گفت:

سوگند به آن که جانم در دست اوست تو پیامبر این امتی و ناموس اکبر (جبرئیل) پیش تو آمده است، همان گونه که نزد موسی عَلَیْهِ السَّلَام نیز آمده بود.

مردمان تو را تکذیب کنند و آزار رسانند و از شهر و دیارت بیرون کنند و با تو بجنگند. اگر من آن روز را دریابم خدای را یاری کنم آن گاه سرش را به نزدیک سر حضرت رسول صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم آورد و بر سر نازنینش بوسه زد. (۱۴)

خانواده‌ای که حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا را پرورش داده بود از بزرگترین قبیله عرب حسبًا و نسبًا بود و نفوذ آنها بر همه اهل حجاز مسلم و آثار بزرگی و نجابت و شرافت از کردار و گفتارشان پدیدار بود.

خدیجه از قبیله هاشم بود و در این مناصب پدر و فامیلش وقعی عظیم داشتند و محور خاندان این بانوی مجلله بود که دارای طبع بلند و همت عالی و دست گشاده و نظر وسیع و عواطفی رقیق بود (۱۵)

خدیجه در اخلاق و نسب و دارایی بین فامیل یگانه و ممتاز و میان اقران بی‌مانند بود.

خدیجه زنی جذاب، شیرین سخن، زود آشنا، با عاطفه بود که به فضیلت اخلاقی و پذیراییهای شایان محسود اقران و زنان مکه قرار گرفته.

خدیجه دوران جاهلیت را درک کرده و اوضاع و احوال بَدَویَّت و مَدَنیَّت عرب را خوب دیده بود و همین زیرکی او موجب خواستگاران بسیار شد (۱۶)

حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا اولین زنی بود که ایمان آورد و نماز خواند در اسلام او از روات اخبار و احادیث وحی و نبوت است بسیاری از زنان اسلام از او نقل اخبار آغاز طلوع اسلام را نمودند.

ازدواج با خدیجه

در دورانی که پیغمبر سنین بین بیست تا بیست و پنج سالگی را می‌گذرانید، ابوطالب از خدیجه دختر خُوَیْلِد بانوی نامدار قریش که از نجابت و اصالت و عقل و فهم و درایت فراوان برخوردار و در نیای چهارم (قُصَیٍّ بن کِلَاب) با پیغمبر شریک بود، تقاضا نمود سرمایه‌ای در اختیار برادرزاده‌اش «محمد» بگذارد، تا او نیز خود به کار تجارت اشتغال ورزد. خدیجه از ارث پدر، ثروتی اندوخته بود و مانند بسیاری دیگر از زنان مکه با آن تجارت می‌کرد. به این معنا که نمایندگانی می‌گرفت تا با سرمایه او داد ستد کنند.

خدیجه که وصف «محمد بن عبدالله» جوان محبوب مکه را به عنوان «محمد امین» شنیده بود، شخصا از «محمد» خواست به دیدن او برود، وقتی «محمد» آمد خدیجه گفت:

آنچه موجب شده است من شیفته تو شوم و مهر و مَحبَّت تو را صادقانه به دل گیرم، صداقت و امانت و اخلاق ستوده توست.

به همین جهت حاضرم سرمایه‌ای دو برابر آنچه به دیگران می‌دهم در اختیارت بگذارم تا شخصا اقدام به تجارت کنی. علاوه دو غلام خود را نیز به تو می‌سپارم تا در این سفر تجاری همراه تو باشند و در کارها تو را یاری نمایند.

خدیجه به غلامان خود دستور داد کاملًا تحت فرمان «محمد» باشند و هنگام بازگشت هر چه از وی در سفر دیده‌اند، گزارش دهند.

«محمد» با مال التجاره خدیجه همراه سایر بازرگانان مکه راهی سفر شام شد در این سفر همه تجار سود بردند، به خصوص، «محمد»

که بیش از دیگران سود برد. در بازگشت «مَیْسَرَة» غلام خدیجه به وی که از کارهای محمد در سفر جویا شده بود، گفت:
تمام کارهای او حساب شده و منظم و بر اساس عقل و درایت است.
مَیْسَرَة توضیح داد که وقتی یکی از تجار از محمد خواست به دو بت «لات» و «عزی» سوگند یاد کند، محمد گفت:
«چیزی در نزد من پست‌تر از لات و عزی نیست» و چون در شهر «بصری» راهبی محمد را دید که در سایه درختی نشسته است، گفت:
«این همان پیغمبریست که در تورات و انجیل راجع به او بشارت‌های زیادی خوانده‌ام»!
نجابت محمد بن عبدالله که از اصیل‌ترین قبایل عرب «بنی هاشم» بود و استعداد و لیاقت و شخصیت ممتاز و شهرتی که در امانت داری داشت، او را زبانزد خاص و عام کرده بود.
به طوری که «محمد امین» خوانده می‌شد.
این اخبار و گزارش‌ها توام با قامت موزون و قیافه خوش ترکیب و رخسار زیبا و دوست داشتنی وی که چون با کسی سخن می‌گفت، یا به کسی می‌نگریست، در دل طرف، تولید مَحبَّت می‌کرد، همگی باعث شد که خدیجه شیفته حسب و نسب و لیاقت و شخصیت و خصال پسندیده او شود. همین جهات نیز موجب گردید که خدیجه زنی به نام «نفیسه» دختر «علیه» واسطه قرار دهد تا آمادگی او را برای ازدواج با محمد به اطلاع وی برساند.
بعضی از مُوَرِّخان معتقدند که خدیجه خود موضوع را با «محمد امین» در میان گذاشت و به گفته «ابن هشام» مُوَرِّخ مشهور به وی گفت:
«عموزاده من! به واسطه خویشاوندی که میان من و تو وجود دارد و عظمت و احترامی که در نزد قوم خود داری و امانت و خوی نیکو و راستگویی که در تو هست، می‌خواهم صریحا به تو بگویم که مایلم به همسری تو در آیم».
پیغمبر موضوع را با ابوطالب عمویش در میان گذاشت و ابوطالب نظر موافق خود را اعلام داشت «نفیسه» بانوی واسطه نیز آمادگی «محمد امین» را به خدیجه خبر داد و به دنبال آن مجلس عقد باشکوهی در خانه خدیجه تشکیل شد.
تمام بزرگان قریش و اشراف مکه در مجلس عقد شرکت داشتند.
خدیجه در اتاق مجاور در میان بانوان مکه نشسته بود و جریان مجلس را زیر نظر داشت. ابوطالب به نمایندگی از طرف پیامبر ورقهٔ بن نوفل پسر عمو و نماینده خدیجه را مخاطب ساخت و خطبه عقد را به طرزی معقول و حکیمانه خواند و از جمله گفت:
«برادرزاده من محمد بن عبدالله با هر مردی از قریش که مقایسه شود، بر او برتری دارد. هر چند فاقد مال و ثروت است، ولی مال و ثروت مانند سایه، زائل می‌شود، اما اصل و نسب چیزیست که می‌ماند»...
ورقه بن نوفل به نمایندگی از طرف خدیجه در پاسخ ابوطالب گفت:
«کسی از قریش منکر فضل شما بنی‌هاشم نیست. ما از صمیم دل میل داریم که دست به ریسمان فضیلت و رافت شما بزنیم».
پس از آن خدیجه به کابین چهار صد دینار، برای محمد بن عبدالله جوان محبوب بنی‌هاشم و چهره درخشان مکه عقد شد.
سپس «محمد» از خانه ابوطالب به خانه خدیجه همسر خود آمد و زندگی جدیدی را آغاز کرد. (۱۷)

سال ازدواج و فرزندان پیامبر از خدیجه

پیامبر ۱۵ سال قبل از هجرت با حضرت خدیجه کبری سَلَامُ اللهِ عَلَيهَا ازدواج نمودند. (۱۸) و ثمره‌ی آن دو پسر به نامهای قاسم و عبدالله که به آنها طیب و طاهر هم می‌گفتند و چهار دختر به نامهای ام‌کلثوم، زینب، رقیه و فاطمه سَلَامُ اللهِ عَلَيهَا بود.
نسل پاک و مبارک رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم به خواست رب العالمین تنها از کوچکترین دخترش فاطمه سَلَامُ اللهِ عَلَيهَا

ادامه یافت و پسرانش در دوران کودکی از دنیا رفتند. (۱۹)

سن حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا

دانشمند مشهور ابْنِ شَهْرِ آشوب مازندرانی، می گوید:
احمد بَلاذُری و ابوالقاسم کوفی (از علمای عامه) در کتابهای خود و سید مرتضی دانشمند بزرگ شیعه در کتاب «الشَّافِی» و شیخ طوسی در «تَلْخِیص الشَّافِی» روایت کرده‌اند که وقتی پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم با خدیجه ازدواج کرد، خدیجه دختر بود (۲۰) به همین جهت سن خدیجه را ۲۵ سال و ۲۸ و ۳۰ سال هم گفته‌اند (۲۱)
ابن عباس و جمعی از دانشمندان بر آنند که خدیجه کبری به هنگام ازدواج با حضرت رسول صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم فقط بیست و هشت سال داشته است (۲۲)
و افزون بر آن دانشورانی همچون احمد بَلاذُری، ابوالقاسم کوفی، سید مرتضی و شیخ طوسی معتقدند که خدیجه کبری در آن هنگام دوشیزه بودند. (۲۳)

تاریخ ازدواج و سن مبارک پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

شیخ طوسی تاریخ ازدواج را دهم ربیع الاول و سن شریف رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را در آن هنگام بیست و پنج سال نوشته است (۲۴)

فضائل و مناقب حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا

حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا دختر خُوَیْلِد از نیکوترین و عفیف‌ترین زنان عرب قبل از اسلام است، ملکات فاضله و صفات و سجایای حمیده این زن شهره عربستان بود منزلش محفل زنان اشراف عرب و ماوا و ملجأ نیازمندان حجاز بود.
حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا در اسلام ملکه جلیله فاضله نبیله و بانوی علی الاطلاق اسلام به شمار می‌رفت اول کسی که به اسلام گروید خدیجه بود.
زنی روشن فکر صافی ضمیر، با گذشت با علاقه به معنویات وزین با وقار و سکینت معتقد به حق و حقیقت متمایل به اخبار آسمانی بود.
حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا از بزرگان علمای یهود و نصاری و کهنه و واقفین به اخبار و مغیبات خبر ظهور خاتم النبیین را شنیده بود و آثار و علائم آن را و صافان عرب گفته بودند و او به سعادت ذاتی به این حقیقت معتقد بود و لذا در تحصیل و تحقیق بر آمد تا هم آغوش این سعادت و کامیابی گردید.
حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا تا دریافت که قرین سعادت شده و در راه پیشرفت و موفقیت پیغمبر اسلام هر چه داشت بذل کرد و انفاق نمود و رو ترش نکرد بلکه با کمال میل و مسرت از صمیم دل و جان بذل مال و منال در پیشرفت اسلام می کرد.
حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا زنی بود دارای مقام و مرتبت عالی و نسب و حسب شریف و عظمت و مکرمت سببی همان طور که پیغمبر محور وجود و شخصیت رجال عرب بود خدیجه محور شخصیت زنان جهان به شمار می‌رفت و از همه توانگر و داناتر و هوشیارتر بود.

مناقبی دیگر از حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا

۱ – قال رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم:

خیر النساء خدیجه بنت خُوَیْلِد. (۲۵) بهترین زنان خدیجه بنت خُوَیْلِد است که مادر زهرا سَلَامُ اللهِ عَلَیهَاست.

@۲ – قال اتی جبرئیل علی النبی فقال یا نبی‌الله هذه خدیجه قد اقبلت و معها اناء فیه ادام و طعام و شراب فاذا هی اتیک فاقْرَأْ عَلَیْهاالسَّلَام من ربها و منی و بشرها ببیت فی الجنه من قصب لا صخب فیه و لا نصب. (۲۶) جبرئیل نازل شد ظرفی از بهشت آورد که غذا و شراب بهشتی بود گفت:

این مائده را به خدیجه بده و او را سلام برسان و بشارت ده به یک قصری در بهشت.

پیغمبر خدیجه را از ظرف خدا و جبرئیل سلام رسانیده و بشارت قصر بهشتی داد.

۳ – هر وقت پیغمبر گوسفندی می‌کشت می‌فرمود:

برای دوستان خدیجه سهمی بفرستید یک روز گفت:

من آرزوی دوستی چون خدیجه را دارم. (۲۷)

از این حدیث معلوم می‌شود که پیغمبر از زنان خود ناراضی بود.

۴ – عایشه می‌گوید:

هیچ زنی به قدر خدیجه نزد پیغمبر عزیز نبود و هیچ کس را مانند او به ذکر خیر یاد نمی‌کرد. (۲۸)

حسادت عایشه از اسم خدیجه

عایشه می‌گوید کمتر اتفاق می‌افتاد که پیامبر از خانه بیرون رود و خدیجه را به خیر یاد نکند، چندان که یک روز آتش حسد من مشتعل شد و گفتم:

یا رسول الله تا کی خدیجه را یاد می‌کنی؟ او پیرزنی بیش نبوده! خداوند بهتر از او را (منظور خودش بوده) به تو مرحمت کرد! پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم از سخن من در غضب شد و فرمود:

نه به خدا قسم! بهتر از خدیجه نصیب من نشده. به من در من ایمان آورد هنگامی که مردم کافر بودند و تصدیق نبوت می‌نمود در وقتی که مردم مرا تکذیب می‌کردند و اموال خود را در اختیار من گذارد در وقتی کردم مرا از خود دور می‌کردند.

خداوند متعال از خدیجه به من فرزندانی روزی کرد و رحم تو را عقیم قرار داد. (۲۹)

از عایشه روایت کرده‌اند که گوید:

هیچ گاه نمی‌شد که رسول خدا از خانه بیرون رود جز آنکه خدیجه را یاد می‌کرد و ستایش و مدح او را می‌نمود، تا این که روزی طبق همان شیوه‌ای که داشت نام خدیجه را برد و او را یاد کرد، در این وقت رشک و حسد مرا گرفت و گفتم:

«هَلْ کَانَتْ إِلَّا عَجُوزًا فَقَدْ أَبْدَلَکَ اللَّه خَیْرًا مِنْهَا». خدیجه جز پیرزنی بیش نبود در صورتی که خداوند بهتر از او بهره تو کرده.!

عایشه گوید:

در این وقت رسول خدا – که این سخن مرا شنید غضبناک شد به حدی که از شدت غضب موهای جلوی سر آن حضرت حرکت کرد آن گاه فرمود:

«وَ اللَّهِ مَا أَبْدَلَنِیَ اللَّهُ خَیْرًا مِنْهَا، آمَنْتُ إِذْ کَفَرَ النّاسُ و صَدَقْتَنِی وَ کَذَّبَنِی النَّاسُ و وَاسَـتْنِی فِیمَالِهَا إِذْ حَرَمَنِیَ النَّاس و رَزَقَنِی اللَّهُ مِنْهَا أَوْلَادًا@ اذ حرمنی اولاد النساء».

به خدا سوگند خداوند بهتر از او زنی به من نداده، او بود که به من ایمان آورد هنگامی که مردم کفر ورزیدند و او بود که مرا

تصـدیق کرد و مردم مرا تکـذیب نموده (و دروغگویم خواندنـد) واو بود که در مـال خود بـا من مواسات کرد (و مرا بر خود مقـدم داشت) در وقتی که مردم محرومم کردنـد و از او بود که خداونـد فرزندانی روزی من کرد و از زنان دیگر نسبت به فرزند محرومم ساخت.

عایشه گوید:

با خود گفتم:

دیگر از این پس هرگز به بدی او را یاد نخواهم کرد. (۳۰)

گریه‌ی پیامبر از نام خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا

و در روایت اربلی در کَشْف الْغُمَّهٔ این گونه است که علی عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

روزی نزد رسول خـدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نـام خـدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا برده شـد و رسول خـدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم گریست. عایشه که چنان دید گفت:

...«ما یبکیك علی عجوز حمراء من بنی اسد؟

فقال صدقتنی اذکذبتم و آمنت بی اذ کفرتم و ولدت لی اذ عقمتم، فقالت عایشه:

@فما زلت اتقرب الی رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بذکرها» (۳۱)

یعنی چه گریه‌ایست که برای پیرزنی سرخ‌رو از بنی اسد می‌کنی؟

رسول خدا فرمود:

او مرا تصدیق کرد هنگامی که شما تکذیبم کردید و به من ایمان آورد در وقتی که شما کافر شدید.

و برای من فرزند آورد که شما نی آوردید!

عایشه گوید:

از آن پس پیوسته من با یاد خدیجه و با نام او به رسول خدا تقرب می‌جستم. (و هرگاه می‌خواستم رسول خدا به من توجه کرده و به سخنم گوش دهد سخنم را با نام خدیجه شروع می‌کردم).

حدیث ام رومان

ام رومان می‌گوید:

خدیجه همسایه‌ای داشت که سفارش او را به پیغمبر کرده بود و هر وقت برای پیغمبر طعام یا غذایی می‌آوردند می‌فرمود:

از آن مقداری برای دوست خدیجه ببرند و از خدیجه بسیار یاد می‌کرد و عایشه به حال او رشك برد. رسول خدا متغیر شد فرمود:

زود از نزدیك من دور شو و کنار دیگر برو؟ عایشه به گوشه‌ی خانه رفت. من گفتم:

یا رسول الله عایشه دختر جوانی است او را از پیش خود مران. پیغمبر فرمود:

ای عایشه خدیجه کسـی بود که به من ایمان آورد وقتی همه خویشان تو کافر بودند و از او اولادی نصیب من شد چون فاطمه زهرا. (۳۲)

عایشه را بهتر بشناسید

عایشه دختر ابوبکر بن ابی قُحَافَهٔ می‌باشـد و او کسـی بود که افشاء سـر ولایت نمود و جریان افشاء سـر از این قرار است که در سال

دهم روز ۱۱ ذِی‌الْحِجَّهٔ پیامبر اسلام به حفصه سری را بیان فرمود و به او تذکر داد که اگر این سر را با کسی باز گو کنی لعنت خدا و ملائکه و تمامی مردم بر تو باد. حفصه بلافاصله آن سر را به عایشه گفت. (۳۳) عایشه هم آن را به ابوبکر بازگو کرد و ابوبکر هم عمر را در جریان قرار داد کار به جایی رسید که آن چهار زن و مرد تصمیم گرفتند پیامبر را مسموم کنند.

(۳۴)

جبرئیل پیامبر را با خبر کرد و آن حضرت آنها را از توطئه و افشاء سر خبر داد سپس حفصه را طلاق دادند ولی بعدًا با اصرار بعضی رجوع فرمودند و آیات سوره تحریم نازل شد.

(۳۵)

این دو زن چه کرده بودند که خداوند در سوره تحریم آنها را به زن نوح و لوط تشبیه نموده است.

(۳۶)

در آخر آیهٔ ۴ این سوره آمده است:

اگر شما دو زن یاور هم شوید برای قتل آن حضرت، خداوند و جبرئیل و صالح المؤمنین (یعنی امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام) و ملائکه یاور پیامبر هستند.

(۳۷)

«تظاهرًا» در آیه شریفه خطاب به عایشه و حفصه است و معنایش اینست که آنان تعاون بر اذیت پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نموده سر آن حضرت را فاش کردند و زنان آن حضرت را اذیت نمودند. (۳۸)

عمر می‌گوید:

مراد از این دو زن که در اذیت پیامبر هم پیمان بودند عایشه و حفصه است.

(۳۹)

و عایشه کسی بود که وقتی حضرت زهرا سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا به شهادت رسید همسران رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم برای سر سلامتی امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام آمدند جز عایشه که اظهار مریضی کرد و سخنی گفت که دلالت بر خوشحالی او داشت. (۴۰) و جنایات دیگری که انجام داد که در خور این جزوه نمی‌باشد.

و خوب است این را بدانید که عایشه توسط معاویه بن ابوسفیان کشته شد و به سزای اعمالش رسید. (۴۱)

پیامبر دوست داشت تا زنده است مرگ و دفن عایشه را ببیند. (۴۲)

ابن‌ابی‌الحدید می‌گوید:

اگر خلیفه دوم به جای علی علیه عَلَیْهِ السَّلَام بود هر آینه عایشه را قطعه قطعه می‌کرد. (۴۳)

انس حضرت فاطمه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا با مادر پیش از تولد

حضرت خدیجه گوید:

هنگامی که فاطمه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا را بار دار شدم از او احساس سنگینی نمی‌کردم، خفیف و سبک بود، در شکم با من صحبت می‌کرد، نزدیک وضع حمل من چهار زن که زیبایی و نورانیتشان را نمی‌توان توصیف کرد بر من وارد شدند یکی از آنان گفت:

من مادرت حوا هستم. دیگری گفت:

من آسیه دختر مزاحم می‌باشم. سومی گفت:

من کلثوم خواهر موسی هستم.. دیگری گفت:

من مریم دختر عمران و مادر عیسی می‌باشم آمده‌ایم که به کارهای مربوط به وضع حمل تو رسیدگی کرده و تو را در این کار کمک نماییم. پس از لحظاتی فاطمه دیده به جهان گشود، سر بر سجده گذاشته انگشتش را به سوی آسمان بالا کرد. (۴۴)

۲ - هنگامی که کافران از پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم خواستند که شکافته شدن ماه را به آنان نشان دهد چند روزی بیشتر به تولد حضرت فاطمه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا نمانده بود.

خدیجه می گفت:

ای وای، چه بسیار زیانکار است آن کسی که محمد را تکذیب کند، او بهترین فرستاده‌ی خداست.

در این هنگام فاطمه از درون شکم او را صدا زده گفت:

مادرم! غمگین و محزون مباش و نترس! همانا خداوند با پدرم می‌باشد.

پس از آنکه دوران حمل پایان یافته مدت کامل شد، فاطمه زاده شد.

با پرتو رخسارش گیتی منور گردید. (۴۵)

۳ - پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم فرمود:

جبرائیل سیبی از بهشت برایم آورد، آن را خورده با خدیجه همبستر شدم و او فاطمه را باردار شد.

خدیجه خود می گوید:

من به صورت خفیف و سبک حامله شده‌ام، هرگاه از منزل بیرون می‌آیم کودکی که در شکم دارم، با من سخن می گوید. به هنگام وضع حمل به دنبال زنان قریش فرستاد تا بیایند و در کارهای زنانه‌ی مربوط به حمل کمک کنند.

آنان نیامدند و گفتند:

نزد تو نمی آییم زیرا تو همسر محمد شده‌ای. (۴۶)

علاقه‌ی رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم به خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا

۱ - سبط بن جوزی به روایت از هشام می‌نویسد:

رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم خدیجه را بسیار دوست می‌داشت و به او احترام می گذاشت و در کارها با وی مشورت می کرد آن بانو یاریگر راستی برای آن حضرت بود.

وی نخستین زنی بود که به پیامبر گروید و تا زمانی که خدیجه در قید حیات بود آن حضرت همسری دیگر اختیار ننمود. (۴۷)

۲ - عایشه همسر پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم گوید:

گر چه خدیجه را ندیده بودم اما هیچ کدام از زنان پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بسان خدیجه مورد رشک و حسادت من قرار نگرفتند چه آن حضرت بسیار او را یاد می کرد و فراوان می‌شد که حضرتش گوسفندی قربانی می کرد و پس از قطعه قطعه کردن به دوستان خدیجه هدیه می‌فرستاد.

روزی به آن حضرت گفتم:

گویا در دنیا کسی جز خدیجه نبوده است! آن حضرت در پاسخ فرمود:

که او چنین بود و فرزندانم از اویند. (۴۸)

۳ - همو گوید که آن حضرت فرمود:

به راستی من دوستان خدیجه را نیز دوست دارم. (۴۹)

حمایت از رسالت

سالهای آخر زندگی خدیجه مقارن با بعثت رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بود و آن گونه که تاریخ به روشنی نشان می‌دهد او با مقام وجود خویش در خدمت اسلام قرار گرفت. او نخستین زنی بود که به حضرت ایمان آورد و نبوت آن حضرت را تصدیق نمود. (۵۰)

امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام فرموده‌اند:

«لَمْ یَجْمَعْ بَیْتٌ وَاحِدٌ یَوْمَئِذٍ فِی الْإِسْلَامِ غَیْرَ رَسُولِ الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و خَدِیجَهَ وَ أَنَا ثَالِثُهُمَا».

در آن روزگار تنها یک خانه در اسلام بود که رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و خدیجه را در خود جای داده بود و من سومین آنها بودم. (۵۱)

ابن حَجَر می‌نویسد:

از جمله امتیازات خدیجه این بود که همراه رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را بزرگ می‌داشت و گفتار او را پیش از بعثت و پس از بعثت تصدیق می‌نمود. (۵۲)

و گذشته از این خدیجه در راه نشر حقایق د ین همه‌ی مال خود را در اختیار همسر عزیزش نهاد و پیوسته یار و مددکار آن حضرت در اداره‌ی خانه‌ی اسلام بود.

حضرت رسول صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم می‌فرماید:

«مَا نَفَعَنِی مَالُ قَطُّ مِثْلَ مَا نَفَعَنِی مَالُ خَدِیجَهَ».

هیچ مالی چون مال خدیجه مرا سود نبخشید. (۵۳)

آمنت بی اذ کفر الناس و صدقتنی اذ کذبتنی الناس و وَاسَتْنِی فِیمَالِهَا إذْ حَرَمَنِیَ النَّاس.

او به من گروید آن هنگام که مردمان کافر بودند و مرا تصدیق نمود زمانی که مرا تکذیب کردند و با مال خویش مرا یاری داد در روزی که مردم مال خود را از من باز داشتند. (۵۴)

اقرار به ولایت حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام و بیعت با او

خدیجه اول زنی است که ایمان خود را در مکه میان مشرکین اظهار نمود و اول زنی است که در مقابل دشمن از رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم دفاع نمود و تمام اموال خود را به پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم بخشید و اول زنی است که ایمانش با قبول ولایت امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام به درجه کمال رسید.

روزی پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا را خواست و در کنار خود نشانید و فرمود:

این جبرئیل است و می گوید:

برای اسلام شروطیست که عبارتند از:

اقرار به یگانگی خداوند متعال، اقرار به رسالت رسولان، اقرار به معاد و اصول این شریعت و احکام آن، اطاعت از اولی الامر و ائمه طاهرین از فرزندان او یکی بعد از دیگری با برائت از دشمنان ایشان.

خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا به همه‌ی آنها اقرار نمود و ائمه طاهرین به خصوص امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام را تصدیق کرد. پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم فرمود:

«هو مولاک و مولی المؤمنین و امامهم بعدی»: یعنی علی مولای تو و مولای مؤمنان بعد از من و امام ایشان است.

آنگاه از خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا در قبول ولایت امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام عهد مؤکّد گرفت. سپس رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم یک یک از اصول و فروع دین حتی آداب وضو و نماز و روزه و حج و جهاد و صلهٔ رحم و واجبات و محرمات را بیان فرمود. سپس پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم دست خود را بالای دست امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام نهاد و خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا دست خود را بالای دست رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نهاد و به این ترتیب با امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام بیعت نمود. (۵۵)

شعب ابوطالب

در سال ششم بعثت که قریش، رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و بنی‌هاشم را در شعب ابوطالب به محاصره‌ی اقتصادی و اجتماعی در آوردند خدیجه‌ی کبری در تمام طول سه سال محاصره، در خدمت همسر عزیزش بود.

او با استفاده از دارایی و نفوذ خویش در میان قریش به یاری محاصره شدگان شتافت و به اندازه‌ای از مال خود بخشید که به سختی و احتیاج افتاد. (۵۶)

بَلاذُری نویسد:

عباس بن عبدالمطلب از شعب ابوطالب بیرون شد تا طعامی بخرد، ولی ابوجهل خواست او را بازدارد که خدا ابوجهل را بازداشت.

خدیجه بنت خُوَیْلِد کسی را پیش زَمَعَه بن الاسود فرستاد و به او گفت:

که ابوجهل از خرید او جلوگیری می‌کند.

زمعه ابوجهل را از این کار بر حذر داشت و او از کار خود دست برداشت و هر از چند گاهی هم حکیم بن حزام بن خُوَیْلِد (برادر زاده خدیجه) شتری با بار آرد در شعب ابوطالب رها می‌ساخت تا به دست خدیجه برسد. (۵۷)

معراج پیامبر از منزل خدیجه

یکی از امتیازات حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا آن است که خدای حکیم هنگامی که پیام آورش را به سفر آسمانی معراج به پرواز در می‌آورد آغاز اوج آن حضرت از خانه پر شکوه و نورانی و پر معنویت حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا قرار داد و فرودگاه پیامبر نیز سرای پر حرمت عروس آسمان صاف بَطْحَاء بود.

از پیامبر آورده‌اند که می‌فرمود:

در سفر آسمانی و وصف ناپذیر معراج به هنگام بازگشت به فرشته وحی گفتم:

اینک من به سوی زمین روان هستم آیا سفارش و پیامی هست؟

فرشته وحی گفت:

پیام تازه اینست که درود و سلام خدا و فرشته فرمان بردارش را به خدیجه برسان.

پس از این که پیامبر سلام خدا و فرشته وحی را به او رساند آن بانوی سراسر ادب و ایمان و عرفان چنین پاسخ داد:

«إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَیْهِ السَّلَام و عَلَی جَبْرَئِیلَ السَّلَامُ»

نزول آیاتی از سوره حجر

در سال ششم بعثت آیات زیر نازل گشت.

«فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ و أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِکِینَ * إِنَّا کَفَیْناکَ الْمُسْتَهْزِئِین» (۵۸)

و بدین سان آن حضرت فرمان یافت تا پیام خدا را به طور آشکار به گوشها برساند به همین جهت پیامبر خود را بر فراز کوه صفا

رساند و با صدای رسا مردم را ندا داد:

«هان ای مردم من پیامبر خدا هستم»...

تاریک فکران بت پرست به جای منطق و خرد خشونت را برگزیدند با سرکردگی ابوجهل، آن سفیر هدایت را سنگ باران کردند یکی از سنگ‌ها پیشانی پیامبر را شکافت و خون از صورت مبارکش جاری شد.

حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام که آن زمان نوجوان بود به سوی خانه یار و محبوب پیامبر شتافت و خدیجه را از این حادثه ناگوار مطلع ساخت خدیجه آب و غذا و وسایل درمان اولیه را برداشت و به سوی کوه صفا رفت او از دامنه کوه شیر آسا ندا می‌داد:

«مَنْ أَحَسَّ لِیَ النَّبِیَّ الْمُصْطَفَی» آیا کسی هست که از حال پیامبر آگاهم سازد.

«مَنْ أَحَسَّ لِیَ الرَّبِیعَ الْمُرْتَضَی» آیا کسی هست تا از بهار زندگی زیبایم سخنی برایم آورد.

«مَنْ أَحَسَّ لِیَ الْمَطْرُودَ فِی اللَّه» آیا کسی هست تا از حال آن پرچمدار توحید مرا آگاه سازد.

در همین هنگام فرشته وحی نازل شد و به پیامبر گفت:

ای پیامبر! ندای خدیجه را پاسخ ده آیا نمی‌نگری که فرشتگان از گریه او می‌گریند. سلام مرا به خدیجه برسان و به او نوید ده که خدا در بهشت زیبا سرایی پر شکوه و بلورین و آراسته به زر و زیور برایش فراهم ساخته است.

(۵۹)

خدا و خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا

خدیجه در قرآن

۱ - خدای سبحان فرماید:

«و وَجَدَکَ عائِلًا فَأَغْنی» و تو را تهیدست یافت و توانگر ساخت. (۶۰)

بسیاری از مفسران بر آنند که توانگری پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم به مال خدیجه بوده است و خداوند متعال در این آیه به کنایه از خدیجه و احسان او یاد فرموده است (۶۱)

سلام خداوند بر خدیجه

مقام خدیجه چنان بالا گرفت که خداوند به وسیله‌ی جبرئیل به خدیجه سلام فرستاد و او را پاداش عظیم وعده داد که هیچ یک از گذشتگان و اصحاب بدان مقام نرسیدند.

موقعیت حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا را هیچ کس نداشت زیرا هیچ یک از فداکاران اسلام و مجاهدین به اندازه خدیجه خلوص نیت و صدق ارادت و بذل مال و همت و تحمل رنج مصیبت نکردند.

۲ - انس گوید:

روزی جبرئیل نزد پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم شرفیاب شد و در حالی که خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا نیز حضور داشت عرض کرد:

ان الله یقری خدیجه السلام. خدای خدیجه سلام می‌رساند و خدیجه بی‌درنگ پاسخ داد:

«إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَام و عَلَی جَبْرَئِیلَ السَّلَامُ و عَلَیْک السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّه».

به راستی خدای خود سلام است و بر جبرئیل سلام و بر تو سلام و رحمت خدای باد. (۶۲)

و در حدیثی که عیاشی در تفسیر خود از ابی سعید خدری روایت کرده این گونه است که رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم

فرمود. در شب معراج هنگامی که بازگشتم به جبرئیل گفتم:

آیا حاجتی داری؟ گفت:

«حَاجَتِی أَنْ تَقْرَأَ عَلَی خَدِیجَةَ مِنَ اللَّهِ وَ مِنِّی السَّلَام»....

حاجت من اینست که خدیجه را از سوی خداوند و از سوی من سلام برسانی و چون رسول خدا سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه ابلاغ فرمود، خدیجه در پاسخ گفت:

«إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَیْهِ السَّلَام» (۶۳)

مژده به بهشت

۳ – رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم می‌فرماید:

أُمِرْتُ أَنْ أُبَشِّرَ خَدِیجَةَ بِبَیْتٍ فِی الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِیهِ وَ لَا نَصَب

مرا فرمان داده‌اند که خدیجه را مژده دهم به خانه‌ای در بهشت از لؤلؤ که نه دردسر و همهمه در آن باشد و نه رنج. (۶۴)

و در چند حدیث از طریق شیعه و اهل سنت آمده که رسول خدا خدیجه را به خانه‌ای در بهشت مژده داد که در آن دشواری و رنجی نخواهد بود.

(۶۵)

خدیجه از زنان برگزیده

۴ – رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرماید:

ان الله تبارک و تعالی ... اختار من النساء اربعًا مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه سلام الله علیهم.

به راستی خدای تبارک و تعالی از میان زنان چهار تن برگزید:

مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه سلام الله علیهم را. (۶۶)

وجه اشتراک این چهار زن نمونه فقط در خوب بودن آنها نیست بلکه در مبارزه علیه طواغیت و دفاع از حق و صبر و استقامت و پایداری آنهاست.

وصایای حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا

آن حضرت هنگام رحلت چند وصیت به پیامبر نمودند و با آن همه فداکاری و انفاق مال به پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم عرض کردند:

«یا رسول الله مرا ببخشید که در حق شما کوتاهی کردم». پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمودند:

«حاشا و کلّا! من از شما تقصیری ندیدم، بلکه منتهای سعی و کوشش خود را در حق من نمودی. شما در خانه‌ی من زحمات زیادی را متحمل شدی. اموالت را در راه خدا بذل و بخشش نمودی».

آن گاه حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا عرض کرد:

یا رسول الله شما را وصیت می‌کنم به این دختر و به حضرت فاطمه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا اشاره نمود – این دختر بعد از من یتیم و غریب است.

کسی از زنهای قریش او را اذیت نکند.

کسی به صورت او لطمه‌ای نزند، به روی او داد نزند و مکروهی نبیند. (۶۷)

فوت خدیجه

پیامبر زمانی که خدیجه را از دست داد فقدان او را فاجعه بار ارزیابی نمود و سال رحلت جانسوزش را سال (عام الحزن) غم و اندوه عنوان نمود و پس از فوت او برای مدتی خانه‌نشین شد.

خدیجه از پیامبر خواسته بود که پس از مرگش یکی از جامه‌های خویش را که به هنگام نزول فرشته وحی و موقع راز و نیاز شبانه بر تن کرده بود بر بدن وی بپوشاند. پیامبر هنگام دفن وی این کار را کرد اما جبرئیل ناگهان فرود آمد و گفت:

خداوند سلام می‌رساند و می‌گوید:

«یا محمد ان کفن خدیجه مِنْ عِندِنا فانها بَذَلَتْ مَالَهَا فی سَبِیلِنَا»...

ای محمد جامه آخرت خدیجه از سوی ما می‌باشد چرا که او ثروت و امکانات خویش را در راه دین ما هزینه نمود.

حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا به دست مبارک پیغمبر مدفون شد و رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم خود در قبر خدیجه رفت و در حق او دعا کرد و طلب مغفرت نمود و در@ حجون (۶۸) «قبرستان مکه» جنه المعلی او را دفن کرد. (۶۹)

در گذشت خدیجه برای پیغمبر مصیبتی بزرگ بود زیرا خدیجه وزنه‌ی زندگی پیغمبر خدا بود و به احترام او بسیاری به محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم احترام می‌کردند یا متعرض او نمی‌شدند ولی پس از او در مقام قتل او بر آمدند.

و در سال دهم بعثت سه سال قبل از هجرت در سن ۶۵ سالگی درگذشت. (۷۰) به نقل علامه‌ی مجلسی (رحمه الله) خدیجه در سال دهم هجرت در ماه رمضان در سن ۶۵ سالگی در گذشت. (۷۱)

برخی نوشته‌اند:

خدیجه در ماه رمضان سال دهم بعثت در سن ۶۵ سالگی در گذشت و پیغمبر شخصًا خدیجه را غسل داده، حنوط کرده، کفن نمود و خودش در قبر او رفت و سپس خدیجه را در قبر گذاشت و سنگ لحد را نهاد و بر او اشک می‌ریخت و دعا می‌کرد. (۷۲)

سخن حضرت زهرا سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا بعد از وفات مادر

حضرت امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام می‌فرمایند:

وقتی حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا از دنیا رفت فاطمه کودک خردسال بود آمد نزد پدر، گفت:

یا رسول الله! امی؟ کجاست مادرم؟ پیغمبر خواست جواب به او ندهد قدری ساکت شد جبرئیل نازل شد گفت:

پروردگارت سلام می‌رساند می‌فرماید:

به فاطمه بگو:

مادرت در کاخ طلاییست که ستونهای آن از یاقوت سرخ است و اطراف او را آسیه زن فرعون و مریم دختر عمران مادر عیسی دارند. فاطمه در پاسخ سلام خدا گفت:

إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَیْهِ السَّلَام. سلام مرا به او برسان. (۷۳)

حضرت خدیجه پرده دار فاطمه زهرا سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا در قیامت

در روایتی وارد شده است که آسیه دختر مزاحم و مریم دختر عمران و خدیجه کبری در آن موقعی که فاطمه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا متوجه بهشت می‌شود پرده دار فاطمه اطهر خواهند بود.

(۷۴)

امام زمان عَلَیهِ السَّلَام فرزند حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا

شیفتگان حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَام و منتظران قدوم مصلح کل هستی در گریه و ندبه خود هنگامی که اشک ریزان به دنبال حضرت می گردند می گویند:

«این ابن خدیجه الغراء» (۷۵) کجاست فرزند خدیجه‌ی کبری.

خدیجه از نگاه دانشوران

۱ – سهیلی گوید:

خدیجه صاحب خانه‌ی اسلام بود و آن گاه که او ایمان آورد، خانه‌ی اسلام بر روی زمین جز خانه‌ی او نبود (۷۶)

۲ – ابن حَجَر گوید:

سر منشأ اهل البیت خدیجه است نه جز او. زیرا حسنین از فاطمه‌اند و فاطمه دختر اوست و علی هم در خانه‌ی خدیجه بزرگ شد و سپس با دختر او ازدواج کرد. (۷۷)

۳ – همو گوید:

خدیجه بر این حریص بود که رضایت پیامبر را به هر شکل ممکن جلب نماید و هرگز از او چیزی دیده نشد که موجب خشم و غضب آن حضرت شود چنان که از دیگران دیده شد.

(منظور زنان دیگر پیامبر هستند). (۷۸)

۴ – حافظ عبدالعزیز جَنَابِذِی حَنبَلِی در کتاب مَعَالِم الْعِتْرَهْ گوید:

خدیجه زنی هوشیار، عاقل و شریف بود وی در زمان خود به لحاظ نسب ریشه‌دارترین و به لحاظ شرف بزرگترین و به لحاظ مال، داراترین فرد قریش بود و همه‌ی قومش خواستار ازدواج با او بودند ولی او نپذیرفت و پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را برای خویش برگزید. (۷۹)

سخن پایانی و فضائلی دیگر از حضرت

حقیقتًا خدیجه بانوی بی‌نظیر روزگار خویش بود.

درست و مترقی می‌اندیشید و شایسته موضع می گرفت و نیک مقایسه می‌نمود و به بیان قرآن بهترین دیدگاه را بر می گزید. او ثروت و دارایی خویش را در کنار جان نورانی‌اش برای پیشرفت‌های عادلانه و آرمانهای پیامبر به او هدیه نمود.

فی الجمله می‌توان خدیجه را در چند سطر این گونه توصیف نمود:

۱ – از خاندانی موحد، دانشمند و مبارز

۲ – والاترین و عفیف‌ترین بانوی عرب

۳ – یکی از چهار زن نمونه و موفق خلقت

۴ – پیشتاز در آزاد اندیشی، عدالت خواهی و حق گرایی

۵ – شجاع‌ترین و زیرکترین زن مسلمان

۶ – مدبر، بازرگان و تاجر

۷ – پناهگاه و دستگیر محرومان، نیازمندان و یتیمان

۸ – اولین زن مسلمان

۹ – اولین عزیز و محبوبترین همسر پیامبر

۱۰ – مادر ریحانه پیامبر حضرت زهرای مرضیه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا

۱۱ – مشاور، همراه، مونس و یار همیشگی پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

۱۲ – مدافع سینه چاک و به هنگام پیامبر، پیامبر فرمودند:

آن زمانی که همه مرا تکذیب می کردند خدیجه مرا تصدیق کرد.

۱۳ – کسی که مال و ثروتش به اسلام رشد و رونق و گسترش و عزت بخشید.

۱۴ – مال و ثروتش هم ردیف شمشیر علی عَلَیْهِ السَّلَام تلقی شد.

(مَا قَامَ وَ لا اسْتَقَامَ الدِّينُ إلَّا بِسَيْفِ عَلِي وَ مَالِ خديجه) اسلام با دو عامل اساسی گسترش یافت:

فداکاری و شمشیر علی عَلَیْهِ السَّلَام و ثروت حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا.

۱۵ – خانه‌اش آغاز معراج و فرودگاه پیامبر گردید.

۱۶ – خدا بارها به او سلام رساند و میوه‌های بهشتی برای او فرستاد و نوید بهشت به او داد.

۱۷ – بعد از مرگش حتی دشمنانش هم غمگین و زبان به فضائلش گشودند.

۱۸ – علاوه بر مال، جان خود را هم نثار اسلام کرد.

۱۹ – اهل البیت از انتساب به او افتخار می کنند و خود را فرزند او می‌دانند.

۲۰ – مرگش پیامبر را خانه‌نشین کرد و باعث شد پیامبر آن سال را عام الحزن بنامد.

گرد آمدن این همه فضیلت، ویژگی و خصلت و افتخار و خدمت در کارنامه‌ی زرین بانوی نو اندیش حجاز، ضرورت نگاهی دوباره و متفاوت به این نگار نازنین را آشکار می‌سازد.

شناخت صحیح، دقیق و عمیق حضرتش می‌تواند منشأ برکات دنیوی و اخروی برای همه‌ی ما باشد.

می تواند زنان و دختران جامعه ما را به خودباوری برساند.

زنان ما هم به قدر وسعت وجودی خود تأسی به حضرت خدیجه می‌توانند فرصت سازی کرده و تَجَلِّی گاه نهایی هنر و زیبایی معقول گردند.

احترام به حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا احترام به پیامبر است.

تکریم وی تحسین و تکریم پیامبر و ستایش از او ستایش همه زحمات نبی مکرم اسلام است.

باز هم می‌گوییم:

از فضائل او که، خدیجه کسی بود که:

حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا با بذل احساسات و عواطف و کمک مادی خود اسلام را یاری کرد خدیجه با این صفات فاضله در آسمان زن ستاره درخشانی شد و چشم همه زنان به وجود او روشن بود.

یک رکن مهم پیشرفت اسلام بر دوش حضرت خدیجه سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا بود و به طفیل همت و خدمت او پیغمبر توفیق حاصل کرد و به همین جهت لقب ام المؤمنین گرفت که اول من آمن بود.

خدیجه در تربیت و فضیلت خانوادگی به قدری نیکو سیرت شد که در جاهلیت او را طاهره گفتند. (۸۰)

خدیجه بانویی زیرک، سعادتمند، با کیاست، عاقله، عالمه بود به قدری خدیجه ابهت مقام و عظمت رتبه داشت که او را سیده نساء اهل الجنه گفتند.

خدیجه دارای فصاحت و بلاغت و قدرت نظم و نثر بوده و اشعاری محکم و استوار می‌سرود.

خدیجه کبری ملکه عرب بود در نجابت و جلالت و قدر و نبالت شان بسزا داشت در تمام عربستان زنی به این فضیلت و مقام نیامد در جود و بخشش، گذشت و کرم و افضل بانوان عرب است.

خدیجه بهترین مونس و انیس پیغمبر و قوی‌ترین مددکار روز سختی بود.

او در شدائد و دشواریهای اسلام موجب تسلی خاطر پیغمبر گردید و از بذل مال خود دریغ نمی‌داشت و به آن قدرت مالی و شهرت مقامی که داشت با زجر و تهدید و شکنجه و تبعید شوهر سازش داشت و لذا رسول خدا بسیار او را دوست می‌داشت و در اکثر مواقع که جبرئیل نازل می‌شد پیش از اسلام برای من ملکه عرب بود.

نمونه‌ی علاقه‌ی و ارادت قلبی خدیجه به شوهر این بود که اول من آمن بود.

قبل از هر کس به شوهر خود که مرتبه‌ی نبوت یافت ایمان آورد. (۸۱)

پی‌نوشتها:

(۱) – الکافی ج ۸ ص ۳۴۰.

(۲) – اعلام زرکلی ج ۲ ص ۳۰۲، طبقات ابن سعد ج ۱ ص ۱۳۲.

(۳) – فُصُول الْمُهِمَّهْ ص ۱۴۹، کَشْف الْغُمَّهْ ج ۲ ص ۱ ۳۶، شَذَرات الذَّهَب ج ۱ ص ۱۴ و أَنْسَاب الْأَشْرَاف ج ۱ ص ۹۸.

(۴) – الرَّوْض الْأُنُف ج ۲ ص ۲۴۴، بِحارالَانْوار ج ۲۱ ص ۳۵۱ و أُسْد الغَابَهْ ج ۷ ص ۷۸.

(۵) – تقویم شیعه ص ۸۴.

(۶) – بِحارالَانْوار ج ۱۰۲ ص ۲۷۲.

(۷) – بِحارالَانْوار ج ۱۶ ص ۶۹.

(۸) – بِحارالَانْوار ج ۷۵ ص ۵۶.

(۹) – بِحارالَانْوار ج ۱۶ ص ۶۹.

(۱۰) – زندگانی فاطمه زهرا مرحوم عمادزاده ص ۲۰

(۱۱) – إیضَاح الْمُشْکِلَات در باب بشارات کتاب عهد عتیق و جدید نسبت به اسلام ص ۱۸۳ – باب ۴ مکاشفه.

(۱۲) – سِیرَهُ ابن هِشَام ج ۱ ص ۲۰۱

(۱۳) – سِیرَهُ ابن هِشَام ج ۱ ص ۱۴۱

(۱۴) – سِیرَهُ ابن هِشَام ج ۱ ص ۲۵۴

(۱۵) – زندگانی فاطمه زهرا مرحوم عمادزاده ص ۲۵

(۱۶) – زندگانی فاطمه زهرا مرحوم عمادزاده ص ۲۶

(۱۷) – کتاب تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت نویسنده: علی دوانی

(۱۸) – فیض العَلّام ص ۲۱۱، قَلائِد النُّحور جلد ربیع الاول ص ۶۷، مُنتَخَبُ التَّوَارِیخ ص ۲۰، زَادُ المَعَاد ص ۳۴۴، مِصْبَاح الْمُتَهَجِّد ص ۷۳۲ و بِحارالَانْوار ج ۹۵ ص ۳۵۷

(۱۹) – سیرهٔ ابن اسحاق ص ۲۴۵

(۲۰) – مناقب آل ابیطالب ج ۱ ص ۱۵۹

(۲۱) – تاریخ خمیس، ج ۱ ص ۲۶۴، سیره حلبیه ج ۱ ص ۱۴۰ و تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت

(۲۲) – کَشْف الْغُمَّهٔ ج ۲ ص ۱۳۶، ۱۳۹ و الفُصُول الْمُهِمَّهٔ ص ۱۴۹، شَذَرات الذَّهَب ج ۱ ص ۱۴ و أَنْساب الْأَشْرَاف ج ۱ ص ۱۹۸

(۲۳) – مَنَاقِب ابْنِ شَهْرِ آشوب ج ۱ ص ۱۵۹ و خدیجه‌ی کبری نوشته‌ی سید احمد موسوی ص ۱۴

(۲۴) – مِصْبَاح الْمُتَهَجِّد ص ۷۲۳

(با مراجعه به منابع در می‌یابیم که نظرات دیگری درباره‌ی سن او در ازدواج وجود داشته است.

از آن جمله می‌توانیم به ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۳۵، ۴۴، ۴۵، ۴۶ اشاره کنیم. در میان مُوَرِّخان و محدثان پیشین ۲۸ ساله بودن آن حضرت بیشتر مورد قبول بود.

بدین ترتیب تفاوت سنی او با پیامبر از حدود سه سال بیشتر نمی‌شود. (الصَّحِیح مِنْ سَیْرِهِ النَّبِیِّ ج ۲ ص ۱۱۵ و ۱۱۶)

(۲۵) – صحیح بخاری – زندگانی فاطمه زهرا عماد زاده ص ۳۵

(۲۶) – صحیح بخاری از ابوهریره ج ۸ و زندگانی فاطمه زهرا عماد زاده ص ۳۵

(۲۷) – زندگانی فاطمه زهرا عماد زاده ص ۳۵

(۲۸) – زندگانی فاطمه زهرا عماد زاده ص ۳۶

(۲۹) – رَیَاحِین الشَّرِیعَهٔ ج ۲ ص ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۱۱ و تقویم شیعه ص ۸۵

(۳۰) – أُسْد الغَابَهٔ ج ۵ ص ۴۳۸ و ج ۷ ص ۸۴ و ۸۵. الإِصابَهٔ ج ۴ ص ۶۲. الْإِسْتِیعَاب ج ۲ ص ۷۲۱ و صَفْوَهٔ الصَّفْوَهٔ ج ۲ ص ۸

(۳۱) – بِحارالْأَنْوار ج ۱۶ ص ۸.

(۳۲) – زندگانی فاطمه زهرا عماد زاده ص ۳۶

(۳۳) – تفسیر قُرْطُبِی ج ۵ ص ۱۷۲ و وَقَایِع الشُّهُور ص ۲۲۹

(۳۴) – تقویم شیعه ص ۳۰۲

(۳۵) – آیات ۳ و ۴ سوره تحریم

(۳۶) – آیه ۱۰ سوره تحریم – رَیَاحِین الشَّرِیعَهٔ ج ۲ ص ۳۸۲ و ۳۸۳ به نقل از تفسیر خازن بغدادی، فخر رازی، زَمَخْشَری، بِحارالْأَنْوار ج ۲۲ ص ۲۳۳

(۳۷) – تفسیر برهان ج ۴ ص ۳۵۲ – ۳۵۳ و بِحارالْأَنْوار ج ۲۲ ص ۲۲۸ – ۲۳۱

(۳۸) – رَیَاحِین الشَّرِیعَهٔ ج ۲ ص ۳۸۲ و ۳۸۳ به نقل از تفسیر خازن بغدادی، فخر رازی، زَمَخْشَری

(۳۹) – صحیح بخاری ج ۶ ص ۱۹۵ – ۱۹۷ و بِحارالْأَنْوار ج ۲۲ ص ۲۳۲

(۴۰) – شرح ابن‌ابی‌الحدید ج ۹ ص ۱۹۸

(۴۱) – فیض العَلّام ص ۳۶

(۴۲) – اَلسَّبْعَهٔ مِن السَّلَف ص ۲۶۷

(۴۳) – شرح ابن‌ابی‌الحدید ج ۱۷ ص ۲۵۴:

[لَوْ کَانَتْ فَعَلَتْ بِعُمَرَ مَا فَعَلَتْ بِهِ ثُمَّ ظَفِرَ بِهَا لَقَتَلَهَا وَ مَزَّقَهَا إِرْبًا إِرْبًا و لَکِنَّ عَلِیًّا عَلَیْهِ السَّلَام کَانَ حَلِیمًا کَرِیماً.]

(۴۴) – فَاطِمَهُ الزَّهرَا بَهْجَهُٔ قَلْبِ المُصْطَفی ص ۱۹۳، یَنَابِیع الْمَوَدَّهٔ قُنْدُوزِی ص ۱۹۸

(۴۵) – الروض الفائق ص ۳۱۴ و فَاطِمَهُ الزَّهرَا بَهْجَهُٔ قَلْبِ المُصْطَفی ص ۱۹۳

(۴۶) – فَاطِمَهُ الزَّهرَا بَهْجَهُٔ قَلْبِ المُصْطَفی ص ۱۹۴ و ذَخَائِرُ الْعُقْبَی ص ۴۴

(۴۷) – تَذْکِرَةِ الْخَوَاص ص ۳۰۲

(۴۸) – صحیح البخاری ج ۲ ص ۳۱۰

(۴۹) – الإِصابَة ج ۴ ص ۶۲

(۵۰) – المُسْتَدرَک عَلَی الصَّحیحَین ج ۳ ص ۱۸۴، امالی طوسی ۱ ص ۲۶۵، تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۲۳ و خدیجه‌ی کبری ص ۱۵

(۵۱) – نهج البلاغه خطبه ۱۹۲ ص ۳۰۰ و ۳۰۱

(۵۲) – الإِصابَة ج ۴ ص ۶۱

(۵۳) – امالی طوسی ۲ ص ۸۲

(۵۴) – الإِستِیعَاب ج ۲ ص ۷۲۱، أُسْد الغَابَة ج ۷ ص ۸۴ و ۸۵، الإِصابَة ج ۴ ص ۶۲ و تَذْکِرَةِ الْخَوَاص ص ۳۰۳

(۵۵) – بِحارالَانْوار ج ۱۸ ص ۲۳۲، ج ۶۵ ص ۳۹۲

(۵۶) – تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۳۱

(۵۷) – أَنْسَاب الْأَشْرَاف ج ۱ ص ۲۳۵، سِیرَةُ ابن هِشَام ج ۱ ص ۳۷۹، خدیجه کبری ص ۱۷

(۵۸) – سوره حجر آیات ۹۴ تا ۹۶.

(۵۹) – بِحارالَانْوار ج ۱۸ ص ۲۴۱ (۶۰) – الضحی آیه ۸

(۶۱) – مَنَاقِب ابْنِ شَهْرِ آشوب ج ۳ ص ۳۲۰، تفسیر ابوالفتوح ج ۱۲ ص ۱۱۵، مَجْمَعُ الْبَیَان ج ۱۰ ص ۵۰۶ و الْکَشَّاف ج ۴ ص ۷۶۸

(۶۲) – الإِصابَة ج ۴ ص ۶۲، المُسْتَدرَک عَلَی الصَّحیحَین ج ۳ ص ۱۸۶

(۶۳) – سَفینَة البِحَار ج ۱ ص ۳۷۹

(۶۴) – المُسْتَدرَک عَلَی الصَّحیحَین ج ۳ ص ۱۸۴ و ۱۸۵

(۶۵) – بِحارالَانْوار ج ۱۶ ص ۱۱ و الإِصابَة ج ۴ ص ۲۷۵ و أُسْد الغَابَة ج ۵ ص ۴۳۸

(۶۶) – الخصال ج ۱ ص ۲۲۵

(۶۷) – شجره طوبی ج ۲ ص ۲۳۴ و ۲۳۵

(۶۸) – نام کوهی در بلندیهای مکه است که گورستان اهالی مکه می‌باشد.

مُعْجَم البُلْدَان: ج ۲ ص ۲۲۵

(۶۹) – الإِصابَة ج ۴ ص ۶۲ و یَنَابیع الْمَوَدَّة ص ۱۷۱ و خدیجه کبری ص ۱۸

(۷۰) – أَعْلام النِّسَاء، عُمَر رضا کَحَّاله ج ۱ ص ۲۷۵

(۷۱) – بِحارالَانْوار ج ۱ ص ۱۳۵

(۷۲) – زندگانی فاطمه زهرا عماد زاده ص ۳۷

(۷۳) – زندگانی فاطمه زهرا مرحوم عمادزاده ص ۳۰

الْخَرَائِج ج ۲ ص ۵۲۹ و امالی طوسی ۱ ص ۱۷۸ و ۱۷۹ و خدیجه کبری ص ۱۸

(۷۴) – ترجمه بِحارالَانْوار ج ۴۳ ص ۴۵ حدیث ۴۰

(۷۵) – فرازی از دعای ندبه

(۷۶) – الرَّوْض الأُنُف ج ۲ ص ۴۲۶ و خدیجه کبری ص ۲۳

(۷۷) – فَتْح الْبَارِی ج ۸ ص ۱۳۸ و خدیجه کبری ص ۲۳

(۷۸) – فَتْح الْبَارِی ج ۸ ص ۱۳۸ و خدیجه کبری ص ۲۳

(۷۹) - الفُصُول الْمُهِمَّهْ ص ۱۴۹ و خدیجه کبری ص ۲۴

(۸۰ و ۸۱) - زندگانی فاطمه زهرا مرحوم عمادزاده ص ۳۰ و ۳۴

منابع و مآخذ

قرآن کریم

فَاطِمَهْ الزَّهرَا بَهْجَهُْ قَلْبِ المُصْطَفی (آیت الله رحمانی همدانی)

زندگانی فاطمه زهرا سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا (مرحوم عماد زاده)

خدیجه کبری سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا (سید احمد موسوی)

أُسْد الغَابَهْ (ابن اثیر)

سیره (ابن اسحاق)

صَفْوَهْ الصَّفْوَهْ (ابوالفرج ابن جوزی)

الإِصابَهْ (ابن حَجَر عَسْقَلَانی)

فَتْح الْبَارِی (ابن حَجَر عَسْقَلَانی)

الطَّبَقَاتِ الْکُبْرَی (ابن سعد)

مناقب آل ابی طالب (ابْنِ شَهْرِ آشوب مازندرانی)

الفُصُول الْمُهِمَّهْ (ابن صَبَّاغ مالکی)

الإِسْتِیعَاب (ابن عَبْدِ البَرِّ)

شَذَرات الذَّهَب (ابن معاد)

سیره (ابن هشام)

روض الجنان و روح الجنان (تفسیر ابوالفتوح رازی)

نهج البلاغه (صبحی صالح)

خصال و امالی (شیخ صدوق)

مَجْمَعُ الْبَیَان، (طبرسی)

امالی (شیخ طوسی)

مِصْبَاح الْمُتَهَجِّد (شیخ طوسی)

الکافی (شیخ کلینی)

بِحارالأَنْوار (علامه مجلسی)

تاریخ (یعقوبی)

تقویم شیعه (نیشابوری)

تفسیر قُرْطُبِی

وَقَایع الشُّهُور

رَیَاحِین الشَّرِیعَهْ

تفسیر خازن بغدادی

البرهان فی تفسیر القرآن

فیض العَلّام

شرح نهج البلاغه (ابن‌ابی‌الحدید)

اَلسَّبْعَهُ مِن السَّلَف

الروض الفائق

ذَخائِرُ الْعُقْبی

قَلائِد النُّحور

مُنتَخَبُ التَّوارِیخ

زَادُ المَعَاد.

کَشْف الْغُمَّهٔ (علی بن عیسی اربلی)

صحیح بخاری (محمد بن اسماعیل بخاری)

أَنْسَاب الْأَشْرَاف (بَلاذُری)

الْمُسْتَدرَک عَلَی الصَّحیحَین (حاکم نیشابوری)

مُعْجَم الْبُلْدَان (یاقوت حموی)

الْخَرَائِج وَ الْجَرَائِح (قطب الدین راوندی)

الاعلام (زرکلی)

الْکَشَّاف (زَمَخْشَری)

تَذْکِرَهٔ الْخَوَاص (سبط ابن جوزی)

الرَّوْض الأُنُف (سهیلی)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام –: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹